مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی
شماره‌های ۹۳ و ۹٤، مرداد و شهریور ۱۳۸۸، صفحات ۳۳-۵

رفتار دولت‌ها با پول ملی
پیشینه‌ای از سیاست‌های اصلاحی درست و نادرست*

ایگناسیو ماس
ترجمه: امین مالکی[۱]

سیاست حذف صفرهای پول ملی در کشورها با اهداف متفاوتی اجرا می‌شود و نتایج متفاوتی نیز دارد. در موارد نادری می‌توان مشاهده کرد که اجرای این سیاست توسط مقامات پولی به طور دلخواه و با استفاده از قدرت انحصاری دولت در چاپ پول و یا به طور ناخواسته در نتیجه اعمال یک سیاست پولی نادرست، ارزش دارایی‌های مردم را به نفع دولت کاهش داده است. این مقاله، تجارب بین‌المللی طی نیمه دوم قرن بیستم را در این زمینه بررسی می‌کند و تلاش می‌شود تا اهداف، سازوکار اجرایی و اشکالات اصلی این سیاست مورد بررسی قرار گیرد. ایگناسیو ماس، کارشناس ارشد مالی بانک جهانی هنگامی این مقاله را ارائه کرد که در دانشگاه شیکاگو به عنوان استادیار تدریس می‌کرد و به گفته خودش از نظریات میلتون فریدمن در ویرایش مقاله‌اش بسیار استفاده کرده است.

واژه‌های کلیدی: حذف صفر پول ملی، ابرتورم، مصادره پول.

---

* این مقاله ترجمه بخشی از این منبع است:
Mas, Ignacio (1995), "Things Governments Do to Money: A Recent History of Currency Reform Schemes and Scams", *KYKLOS*, Vol. 48, NO. 4, PP. 483-512.

۱.عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی. aminmaleki@gmail.com

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

۱. مقدمه

آنچه در مطالعات پولی کلان اقتصادی همواره مورد توجه قرار می‌گیرد، این موضوع است که دولت‌ها چگونه سیاستگذاری پولی مناسبی را اعمال کنند. در واقع، بیشتر در این مورد بحث می‌شود که دولت‌ها «با پول» چه می‌کنند و پول چه منفعتی برای دولت‌ها دارد و آنها از طریق اعمال سیاست‌های پولی چگونه با پول برخورد می‌کنند.

هدف این مقاله، بررسی این موضوع است که دولت‌ها «با خود پول» چگونه رفتار می‌کنند و یا رفتار خواهند کرد. سیاستگذاران و دولتمردان هنگام سیاستگذاری برای خروج از بحران معمولاً به دو مولفه «وجهه»[1] و «بقای»[2] حکومت توجه ویژه‌ای دارند. برخی سیاستگذاری‌ها که در شرایط عادی راه حل اثبات شده به حساب می‌آیند، هنگام بحران‌های اقتصادی و مالی به نتایج وخیمی منتهی می‌شوند که این موضوع به ویژه در نتیجه موشکافی و دقت نخبگان، وجهه و اعتبار دولت را کاهش می‌دهد. به این جهت است که نظام تصمیم‌سازی هنگام بحران بسیار پنهان عمل می‌کند تا طبیعت و آثار منفی تصمیم‌های نادرست احتمالی و آثار مثبت نوع دیگر سیاستگذاری تا حد ممکن به وجهه دولت آسیب کمتری وارد کند.

تغییر واحد پول ملی به اشکال مختلف مانند حذف صفرهای پول، از روش‌هایی است که در شرایط اقتصادی معمول نتایج مثبتی به همراه دارد اما از آنجا که بیشتر هنگام وقوع بحران‌های مختلف مانند کسری شدید مالی دولت، «ابرتورم»[3] و یا جنگ‌های داخلی مورد توجه دولت‌ها قرار می‌گیرد، همواره نتایج مثبتی نداشته و هزینه‌های هنگفتی را به نظام اقتصادی کشورها تحمیل کرده است.

موضوع جالب اینکه کشورهای در حال توسعه، به طور سنتی در زمینه بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین تعهد خود، یعنی تعهد در زمینه آنچه که به شکل تاریخی و به مطلوب‌ترین شکل ممکن غرور ملی و تاریخی آنها را منعکس می‌نماید و مفاخر کشور یا دوران طلایی تاریخ آنها را به همه جهانیان نشان می‌دهد، یعنی پول ملی به درستی رفتار نکرده‌اند و به طور مداوم تعهدات خود را زیر پا گذاشته‌اند. طی قرن گذشته، همراه با خروج سیستم‌های پولی از پوسته سخت «استانداردهای کالایی»[4] و ورود آنها به سیستم «استاندارد دلار»[5] و در نهایت انتخاب پول «کاملاً بدون پشتوانه»[1]،

1. Prestige
2. Self-Preservation
3. Hyperinflation
4. Commodity Standard
5. Dollar Standard

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

این تفسیر که پول یک کشور در واقع تعهدی برای دولت آن کشور محسوب می‌شود را بیش از پیش تضعیف کرد.

پول با پشتوانه کالایی (و قابل مبادله) که در اصطلاح پول «تعهد شده» است که به اختصار به آن «آی او یو»[۲] نیز می‌گویند، اما پول بدون پشتوانه «غیرقابل بازخرید»[۳] است و به جهت مادی نیز ارزش چندانی ندارد و انتشار آن هم چیزی بیشتر از ارائه خدمتی از سوی دولت به عوامل اقتصادی برای تسهیل مبادلات نیست.

این مقاله، نگاهی مختصر به فهرستی از روش‌های ابتدایی و سپس روش‌های هوشمندانه خواهد داشت. دولت‌ها با استفاده از این روش‌ها که «با خود پول» اعمال می‌شود، تلاش می‌کنند تا از تعهد خود در برابر انتشار اسکناس و استفاده حداکثری از قدرت انحصاری چاپ پول رها شوند.

تجربه سیاستگذاری‌های پولی طی قرن گذشته نشان می‌دهد که دولت‌ها می‌توانند به سه روش در ارزش ذخایر پولی جامعه تغییر ایجاد کنند: ۱. «ممنوعیت پول»[۴] و ایجاد محدودیت برای خرج کردن موجودی نقدی مردم ۲. «تضعیف پول»[۵] و کاهش قدرت خرید، از طریق ایجاد تورم بالا، ۳. «مصادره پول»[۶].

۲. ممنوعیت پول

راهکار اول، به ویژه در دولت‌های کمونیستی سابق و کشورهای جنگ زده پس از جنگ جهانی دوم بوده است و از طریق تخصیص اداری یا دولتی منابع و با استفاده از نظام برنامه‌ریزی مرکزی یا فرایند سهمیه‌بندی و یا اعطای مجوز عملیاتی می‌شود. در این زمینه، سه پدیده همزمان «تعلیق پولی»[۷]، «آشفتگی برنامه‌ریزی»[۸] و «قحطی کالا»[۹] مشاهده می‌شود. پدیده معروف در این حالت «تعلیق پولی» است که به معنای اهمیت نداشتن پول در خرید کالاها و خدمات است. *تعلیق پولی* در اقتصاد، شرایطی است که طی آن هرکدام از افراد جامعه به واسطه ناتوانی در خرج کردن پول،

---

1. Pure Fiat Money

۲. به این معنا که شخصیتی حقیقی یا حقوقی تعهد کرده است به میزان ارزش پول، خود را بدهکار کند:
I Owe Unto (iou) or I Owe You

3. Irredeemable
4. Currency Restriction
5. Currency Weakness
6. Currency Confiscation
7. Monetary Overhang
8. Planning Hangover
9.Goods Underhang

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

موجودی پولی هنگفتی را ذخیره می‌کنند. این روش، بیشتر در اقتصادهایی بکار می‌رود که «تورم سرکوب شده»[1] دارد و مردم بیش از آنچه تمایل دارند، پول نگهداری می‌کنند زیرا نبود کالاها و خدمات واقعی، مانع هزینه کردن پول مطابق با میل افراد می‌شود. در این نوع خاص از اقتصادها، همراه با حذف کنترل‌های مکانیکی که موجب سرکوب تورم بودند، تورم حتمی‌خواهد بود که نمونه‌هایی از این مورد در اقتصاد شوروی سابق بارها مشاهده شد. در واقع، این حالت بیش از آنکه نوعی «تعلیق پولی» باشد، بازتابی از آشفتگی نظام برنامه‌ریزی است. تعلیق پولی دقیقاً چهره دیگر «قحطی کالا» و نظام سهمیه بندی است. این تکنیک، ارزش پول پس‌انداز کنندگان را به میزانی کاهش می‌دهد که پس‌انداز اجباری آنها به طور مناسبی جبران نمی‌شود. از این مهم‌تر، رفع تعلیق پولی در نهایت مستلزم کاهش پس‌اندازهای پولی است که یا از طریق مصادره ذخایر پولی است که در سال ۱۹۴۸ در آلمان و به شکلی ناموفق در شوروی طی سال‌های(۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳) انجام شد و یا به طور غیرمستقیم از طریق تورم در روسیه سال‌های (۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳) ایجاد شد و ارزش پولی پس اندازها را کاهش داد.

راهکار دوم، یعنی کاهش تعهدات از طریق ایجاد شرایط تورمی ، امروز به خوبی شناسایی شده است. طی چند دهه اخیر، برخی کشورها دچار بحران‌های سیاسی - اقتصادی شدیدی شده‌اند. پول طی قرون متمادی در نتیجه استفاده از فلزاتی که ارزش پایین‌تری نسبت به طلا و نقره داشتند و انتشار پول‌های کاغذی با ارزش اسمی بیشتر، اعتبار و اهمیت ذاتی خود را از دست داده است. جدول شماره یک، مثال‌هایی از تجارب قدیم و جدید اجرای تکنیک دوم و به نوعی توسعه غیرمنطقی چنین سیاستی را نشان می‌دهد. از نظر بخش خصوصی، تورم می‌تواند از زاویه فرسایش ارزش اصلی بدهی‌های دولت و یا به عنوان بهای ضمنی اجاره‌ای[2] و متغیر به ازای استفاده از پول تلقی شود. همان طورکه فریدمن یادآوری می‌کند: "تورم اجاره سالانه‌ای است که دولت برای محصولش (که همان وسیله مبادله است) مطالبه می‌کند و این اجاره بالاتر از قیمت اولیه‌ای[3] است که برای آن پرداخت شده است". در واقع، هنگامی که شما از دولت پول می‌خرید، اجاره سالانه‌ای که

1. Repressed Inflation:
تورم سرکوب شده به این معنا است که مقامات دولتی با ابزارهای کنترلی گوناگون که در اختیار دارند مانع افزایش قیمت‌ها و دستمزدها می‌شوند. اعمال این نوع سیاست، زمینه انفجارهای تورمی را هنگام حذف کنترل ها در سال های بعدی فراهم می‌کند مگر اینکه دولت سیاست هایی را اتخاذ کند که فشار مازاد تقاضای احتمالی را مهار کند.

2. Implicit Rental Charge

3. Initial Price

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

شما برای آن می‌پردازید مطمئن نیست و امکان نوسان دارد.[1] طبق این تعریف دوره زمانی ابرتورم، دوره‌ای است که در همه ماه‌های آن تورم به طور متوسط فراتر از ۵۰ درصد باشد. در جدول شماره یک، ماه‌های ابتدایی و انتهایی این دوره ارائه شده است و ستون آخر «شدت» ابرتورم را نشان می‌دهد. اعداد این ستون نشان‌دهنده تعداد ماه‌های «متوالی» است که در «هر ماه» تورم فراتر از ۵۰ درصد بوده است.

جدول ۱. ابرتورم‌های قرن بیستم

	ابتدای دوره		انتهای دوره		شدت
کشور	ماه	سال	ماه	سال	ماه
الف) ابرتورم‌های ناشی از جنگ در قرن بیستم					
اتریش	اکتبر	۱۹۲۱	سپتامبر	۱۹۲۲	۲
روسیه	دسامبر	۱۹۲۱	ژانویه	۱۹۲۴	۲
آلمان	آگوست	۱۹۲۲	دسامبر	۱۹۲۳	۳
لهستان	ژانویه	۱۹۲۴	ژانویه	۱۹۲۴	۳
یونان	اکتبر	۱۹۴۳	دسامبر	۱۹۴۴	۳
مجارستان ۱	مارچ	۱۹۲۳	فوریه	۱۹۲۴	۳
مجارستان ۲	جولای	۱۹۴۵	آگوست	۱۹۴۶	۱
چین	اکتبر	۱۹۴۷	آوریل	۱۹۴۹	۳
تایوان	نوامبر	۱۹۴۸	می	۱۹۴۹	۲
ب) ابرتورم‌های کشورهای آمریکای لاتین در قرن بیستم					
بولیوی	سپتامبر	۱۹۸۵	آوریل	۱۹۸۴	۴
آرژانتین	مارچ	۱۹۹۰	می	۱۹۸۹	۲
برزیل	مارچ	۱۹۹۰	دسامبر	۱۹۸۹	۱
پرو	آگوست	۱۹۹۰	سپتامبر	۱۹۸۸	۲
نیکاراگوئه	سپتامبر	۱۹۹۰	ژانویه	۱۹۸۸	۵
ج) ابرتورم‌های کشورهای در حال گذار در قرن بیستم					
روسیه	ژانویه	**۱۹۹۲**	ژانویه	**۱۹۹۲**	**۱**
اکراین	دسامبر	**۱۹۹۳**	ژانویه	**۱۹۹۳**	**۳**
صربستان- مونتنگرو	ژانویه	**۱۹۹۴**	ژانویه	**۱۹۹۲**	**۳**

Source: Mas, I. (1995).

۱. مناظره نویسنده با فریدمن، ششم ژوئن (۱۹۹۴).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

بخش‌های (الف) تا (ج) جدول شماره یک، ابرتورم کشورهای پس از جنگ، آمریکای لاتین و در کشورهای در حال گذار طی قرن بیستم نشان می‌دهند. دوره ابرتورم در این جدول شامل تعداد ماههایی است که در آنها شاخص قیمت از ماه اول تا ماه آخر، تورمی فراتر از ۵۰ درصد را نشان دهد. ستون آخر، تعداد ماههای متوالی را نشان می‌دهد که در هر کدام از این ماه‌ها تورم بالای ۵۰ درصد بوده است. بخش (الف) مربوط به ابرتورم‌های ناشی از جنگ در قرن بیستم است و در همه موارد، کسری مالی که زمینه‌ساز ابرتورم بوده است در نتیجه تامین هزینه‌های جنگ، هزینه‌های بازسازی پس از جنگ و یا تامین غرامت ناشی از جنگ بوده است.

بخش (ب) جدول شماره یک، ابرتورم‌های آمریکای لاتین را در قرن بیستم نشان می‌دهد و منشا بیشتر این تورم‌ها نیز عدم تعادل مالی داخلی بوده است که قطع منابع مالی خارجی به‌واسطه بحران مالی سال ۱۹۸۲ بر عمق آنها افزوده است. در بیشتر موارد، چرخه‌های تورمی شدید بین دوره‌های اتخاذ سیاست‌های تثبیت ظاهر شده‌اند. بخش (ج) همین جدول نیز نشان‌دهنده ابرتورم کشورهای در حال گذار است که بیشتر به واسطه بحران‌های سیاسی، نژادی و اقتصادی مرتبط با تجزیه کشورهای شوروی و یوگسلاوی ایجاد شده است و بازتابی از ناتوانی دولت‌های گذار در اتخاذ تدابیر اقتصادی و در برخی موارد نیز ناشی از جنگ بوده است.

راهکار سوم، مصادره پول است که نسبت به دو تکنیک دیگر کمتر اجرا می‌شود، زیرا مستلزم پنهان‌سازی و یا حداقل توجیه مردم با عباراتی خارج از استانداردهای همیشگی پولی و مالی است. اگرچه نتیجه این راهکار کاملا مشابه نتیجه راهکار دوم یعنی ایجاد تورم است، اما دولت‌ها صرفنظر از ماهیت استبدادی یا مردمی‌خود، نوعی نگرش احتیاط‌آمیز دارند که موجب می‌شود پول مردم را به‌طور کاملا آشکار مصادره نکرده و یا از آن مالیات بیشتری دریافت نکنند. تمایز تضعیف و مصادره پول، این است که در مصادره پول یک «کنش فعال»[1] وجود دارد که مستلزم عملیاتی کردن و تحمل برخی انتقادات مردمی و سیاسی است، در حالی که تضعیف پول از طریق ایجاد تورم، نوعی «کنش منفعل»[2] است و هیچگونه تصمیم سازی آشکار و شفافی نمی‌خواهد و بار سیاسی به مراتب کمتری دارد.

نمونه‌های معدودی از مصادره پول به طور آشکار و بدیهی وجود دارد مانند تجربه «پنگو»[3] واحد پول «مجارستان» در دسامبر سال ۱۹۴۵ است. پس از جنگ جهانی دوم، مجارستان با بالاترین نرخ

1. Positive Action
2. Passive Action
3. Pengo

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

تورم طول تاریخ مواجه شد. در آن هنگام برای بیان نکردن تعداد بی‌شمار صفرهای پول در معاملات معمولی، واژه‌های «میل پنگو»[1] برای یک میلیون پنگو و «بیل پنگو»[2] برای یک بیلیون پنگو رواج یافت. علاوه براین، دولت تلاش بیشتری برای کاهش نرخ تورم انجام داد که یکی از آنها وضع مالیات ۷۵ درصدی بر پول بود.

صرف‌نظر از این مورد بدیهی و جدی از مصادره پول، در بیشتر موارد مصادره پول به‌طور غیرمستقیم و پنهان و از طریق انتشار اسکناس‌های جدیدی انجام می‌گرفت که جایگزین اسکناس‌های پیشین می‌شدند. به طور کلی، فقط بخش اندکی از اصلاحات پولی، مصادره آمیز بودکه در بیشتر موارد برای رفع مشکلات ناشی از ابرتورم‌ها انجام می‌شد. این نوع اصلاحات پولی که گاهی به «اصلاحات پولی»[3] یا «تغییر نام پول»[4] نیز شهرت دارد، به جهت اقتصادی چندان معنا ندارند به ویژه اینکه مستلزم صرف هزینه ای گزاف برای تغییر شکل پول است. تنها جنبه مثبت این نوع از اصلاحات پولی، تسهیل مبادلات است که البته گاهی به همراه برنامه تثبیت، سیگنالی از طرف دولت برای تغییر رژیم اقتصادی نیز محسوب می‌شوند. بدیهی است که تغییر صرف واحد شمارش پول بدون تغییر قواعد پولی و تغییر نگرش سیاستگذاران نسبت به جایگاه پول در علم اقتصاد، ارزش پول و عملکرد واحدهای پول را تحت تاثیر قرار نخواهد داد. اتخاذ چنین سیاستی در بهترین حالت یک برنامه تبلیغاتی و در بدترین حالت نیز نوعی شگرد از سوی دولت به منظور مصادره اموال مردم است.

در ادامه مقاله به بررسی سیاست‌های نادرست، تجربه‌های ناموفق و سوءاستفاده‌هایی که در اجرای سیاست اصلاح پول انجام می‌شود می‌پردازیم. با مرور تاریخی اصلاحات پولی ، به تجربه کشورهای آمریکای لاتین بیشتر تمرکز می‌شود تا جایی که حذف صفر از پول ملی منافع زیادی برای دولت‌ها به همراه داشته است. در این زمینه به سیاست‌های نادرست دولت‌ها در اصلاح واحد پولی اشاره شده است و نشان می‌دهد چگونه دولت‌ها اصلاحات واحد پولی را به طور تبعیض‌آمیزی اعمال کرده‌اند. این نکته یادآوری می‌شود که تاکید این مطالعه بر منافع دولت‌ها از اصلاح واحد پول ملی موجب می‌شود تا به طور خودکار دو نوع اصلاح واحد پولی کنار گذاشته شوند. اول، تغییر برخی اشکال و اصلاح واحد پول کشورهایی که در نتیجه تجزیه به چند کشور کوچک تبدیل

2. Mil-Pengo = 1/000/000 pengo
3. Bbil-pengo = 1/000/000/000/000 pengo
4. Clean Currency Reforms
5. Re-Denomination

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

شده‌اند مانند اصلاحات پولی کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی به واسطه فروپاشی شوروی و بدیهی است که این شکل خاص اصلاح واحد پولی مورد توجه این مطالعه نیست. دوم، تغییر واحد پولی برخی کشورها که در نتیجه شکسته شدن ترتیبات پولی منطقه‌ای انجام شده است که از این مورد نیز صرفنظر می‌شود.

۳. حذف صفرهای پول ملی

جدول شماره دو، مهم‌ترین اصلاحات پولی پنجاه سال گذشته را نشان می‌دهد. پس از جنگ جهانی دوم، بیشتر کشورهای اروپایی واحد پولی خود را اصلاح کردند. حجم تبدیل پول‌های قدیم به جدید در اصلاحات پنجاه سال گذشته در مقایسه با اصلاحات انجام شده در اروپا پس از دو جنگ جهانی اول و دوم به مراتب اندک بوده است.

آلمان در سال ۱۹۲۳ با معرفی «رنتنمارک»[1] معادل یک تریلیون مارک سابق، روسیه در سال ۱۹۲۴ با معرفی «روبل جدید» معادل ۵۰ میلیارد روبل سابق، یونان در سال ۱۹۴۴ با معرفی «دراخمای جدید» معادل ۵۰ میلیارد دراخمای قدیم و مجارستان با معرفی «فورنیت» معادل ۴۰۰ اکتیلون (ده به توان ۴۹) پنگو سابق، بیشترین حذف صفر از پول ملی را تجربه کرده‌اند. البته در این دوره اصلاحات معتدل پولی نیز در منطقه اروپا مشاهده می‌شود که لهستان یکی از نمونه‌های آن است. این کشور در سال ۱۹۲۴ «زلوتی»[2] را معرفی می‌کند که یک واحد آن معادل ۱/۸ میلیون واحد «مارک» سابق بود.

1. Rentenmark
2. Zloty

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

جدول ۲. تاریخچه حذف صفرهای پول ملی طی پنجاه سال گذشته (۵۳ مورد در ۳۱ کشور)

ردیف	کشور	سال	ماه	روز	نرخ تبدیل	واحد قدیم	واحد جدید		کشور	سال	ماه	روز	نرخ تبدیل	واحد قدیم	واحد جدید
۱	یونان	۱۹۴۴	۱۱	۹	۱۰۱۰×۵	drachma	drachma	۲۸	زئیر	۱۹۶۷	۶	۲۳	۱۰۰۰	congo franc	zaire
۲	مجارستان	۱۹۴۶	۸	۱	۱۰۲۹×۴	pengoe	forint	۲۹	چین	۱۹۶۹	۱	۱	۱	new yuan	renminbi
۳	رومانی	۱۹۴۷	۸	۱۵	۲۰۰۰۰	leu	leu	۳۰	اروگوئه	۱۹۷۴	۷	۱	۱۰۰۰	peso	nuevo peso
۴	شوروی سابق	۱۹۴۷	۱۲	۱۴	۱۰	ruble	ruble	۳۱	شیلی	۱۹۷۵	۹	۲۹	۱۰۰۰	escudo	peso
۵	چین	۱۹۴۸	۸	۱۹	۳۰۰۰۰۰۰	yuan fapi	gold yuan	۳۲	لائوس	۱۹۷۶	۶	۱۵	۲۰	kip	kip potpoy
۶	آلمان شرقی	۱۹۴۸	۶	۲۸	۱۰	richsmark	ostmark	۳۳	لائوس	۱۹۷۹	۱۲	۱۰	۱۰۰	kip potpoy	new kip
۷	آلمان غربی	۱۹۴۸	۶	۲۰	۱۵	richsmark	deutschemark	۳۴	اسرائیل	۱۹۸۰	۲	۲۲	۱۰	israeil pound	shekel
۸	چین	۱۹۴۹	۱۱	۱		gold/silver yuan	jen min pi	۳۵	آرژانتین	۱۹۸۳	۶	۱	۱۰۰۰۰	peso	peso argentino
۹	تایوان	۱۹۴۹	۶	۱۵	۴۰۰۰۰	yuan taipi	new taiwan dollar	۳۶	آرژانتین	۱۹۸۵	۶	۱۴	۱۰۰۰	peso argentino	austral
۱۰	لهستان	۱۹۵۰	۱۰	۲۸	۱۰۰	zloty	zloty	۳۷	اسرائیل	۱۹۸۵	۹	۴	۱۰۰۰	shekel	new shekel
۱۱	بلغارستان	۱۹۵۲	۵	۱۲	۱۰۰	lev	lev	۳۸	پرو	۱۹۸۵	۲	۱	۱۰۰۰	sol	inti
۱۲	رومانی	۱۹۵۲	۱	۲۸	۴۰۰	leu	leu	۳۹	برزیل	۱۹۸۶	۲	۲۸	۱۰۰۰	cruzeiro	cruzado
۱۳	چک اسلواکی	۱۹۵۳	۵	۳۰	۵۰	koruna	koruna	۴۰	بولیوی	۱۹۸۷	۱	۱	۱۰۰۰۰۰۰	peso	boliviano
۱۴	یونان	۱۹۵۴	۴	۱	۱۰۰۰	drachma	new drachma	۴۱	نیکاراگوئه	۱۹۸۸	۲	۱۵	۱۰۰۰	cordoba	cordoba
۱۵	چین	۱۹۵۵	۳	۱	۱۰۰۰	jen min pi	new yuan	۴۲	برزیل	۱۹۸۹	۱	۱۵	۱۰۰۰	Cruzado	novo cruzado
۱۶	تونس	۱۹۵۸	۱۱	۱	۱۰۰۰	tunisian franc	dinar	۴۳	برزیل	۱۹۹۰	۳	۱۶	۱	novo cruzado	cruzeiro
۱۷	مراکش	۱۹۵۹	۱۰	۱۶	۱۰۰	moroccan franc	dirham	۴۴	یوگسلاوی	۱۹۹۰	۱	۱	۱۰۰۰۰	new dinar	new dinar
۱۸	شیلی	۱۹۶۰	۱	۱	۱۰۰۰	peso chileno	escudo	۴۵	نیکاراگوئه	۱۹۹۱	۴	۳۰	۵۰۰۰۰۰۰	Cordoba	cordoba oro
۱۹	فرانسه	۱۹۶۰	۱	۱	۱۰۰	franc	new franc	۴۶	پرو	۱۹۹۱	۷	۱	۱۰۰۰۰۰۰	Inti	nuevo sol
۲۰	شوروی سابق	۱۹۶۱	۱	۱	۱۰	ruble	ruble	۴۷	آرژانتین	۱۹۹۲	۱	۱	۱۰۰۰۰	Austral	peso argentino
۲۱	بلغارستان	۱۹۶۲	۱	۱	۱۰	lev	new lev	۴۸	برزیل	۱۹۹۳	۸	۱	۱۰۰۰	Cruzeiro	cruzeiro real
۲۲	کره جنوبی	۱۹۶۲	۶	۱۰	۱۰	hwan	won	۴۹	مکزیک	۱۹۹۳	۱	۱	۱۰۰۰	Peso	nuevo peso
۲۳	بولیوی	۱۹۶۳	۱	۱	۱۰۰۰	boliviano	peso	۵۰	اروگوئه	۱۹۹۳	۳	۱	۱۰۰۰	nuevo peso	peso uruguayo
۲۴	فندلاند	۱۹۶۳	۱	۱	۱۰۰	markka	markka	۵۱	برزیل	۱۹۹۴	۷	۱	۲۷۵۰	cruzeiro real	real
۲۵	آلبانی	۱۹۶۵	۸	۱۶	۱۰	lek	new lek	۵۲	صربستان	۱۹۹۴	۱	۲۴		Dinar	new dinar
۲۶	اندونزی	۱۹۶۵	۱	۱	۱۰۰۰	rupiah	rupiah	۵۳	لهستان	۱۹۹۵	۱	۱	۱۰۰۰۰	Zloty	zloty
۲۷	یوگسلاوی	۱۹۶۶	۱	۱	۱۰۰	dinar	new dinar								

Source: Mas, I. (1995).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

تفاوت اصلاحات واحدهای پول پنجاه سال گذشته با اصلاحات پس از جنگ‌های جهانی، این است که در سال‌های اخیر به دلیل تورم فزاینده در برخی کشورها این اصلاحات با ضریب تبدیل کوچک‌تر اما با تکرار انجام می‌گیرد و شاهد چند مرتبه تغییر نام یک پول طی دوره زمانی کوتاه‌تری هستیم[1].

در زمینه «نرخ تبدیل»[2] مندرج در جدول شماره دو این نکته قابل توجه است که این نرخ تعداد واحد پول قدیم را به ازای یک واحد پول جدید نشان داده است و طی دوره تبدیل، ثابت در نظر گرفته می‌شود. این نرخ صرفا برای موجودی نقدی به‌کار می‌رود و حساب‌های بانکی، اوراق مالی، دستمزدها و دیگر قیمت‌ها به طور کلی با نسبت‌های دیگری تغییر می‌کنند. در این جدول، دو دوره زمانی مختلف در اصلاح واحد پول کشورها در نظر گرفته شده است. اول، دوره (۱۹۵۲ تا ۱۹۸۲) که مرحله پایان بحران بدهی‌های کشورهای کمتر توسعه یافته است و دوم دوره (۱۹۸۲ تا ۱۹۹۵) است. در دوره اول، طی ۳۰ سال کشورهای آمریکای لاتین در مجموع ۱۲ صفر، کشورهای کمونیستی (شوروی، چین و لائوس) ۱۴ صفر، کشورهای اروپای غربی ۷ صفر و کشورهای دیگر نیز ۷ صفر از پول خود را حذف کرده‌اند.

سهم ۳۰ درصدی کشورهای آمریکای لاتین از تعداد صفرهای حذف شده (۱۲ صفر از ۴۰ صفر)، به مراتب بیشتر از سهم ۵ درصدی آنها از اقتصاد جهانی بوده است. اما از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۵، سهم کشورهای آمریکای لاتین شامل کشورهای «بولیوی»، «شیلی» و «اروگوئه» از حذف صفرهای پول ملی تقریبا سه برابر شده است و به ۸۷ درصد می‌رسد. طی این دوره، کشورهای آمریکای لاتین در مجموع ۵۴ صفر را از پول خود حذف کرده‌اند، در حالی که تعداد صفرهای حذف شده از پول ملی سایر مناطق جهان طی این دوره فقط ۷ صفر است که این مربوط به رژیم اشغال‌گر فلسطین است. پنج کشور در منطقه آمریکایی بیشترین تعداد حذف صفر از پول ملی را داشته‌اند و در مجموع۴۶ عدد از صفرهای پول خود را حذف کرده‌اند. این پنج کشور در مجموع بدون در نظر گرفتن پول ملی کنونی آنها، ۱۲ نوع پول مختلف را طی این دوره منتشر کرده‌اند. کشورهای آمریکای لاتین اصلاح واحد پول را ابداع نکردند و در این زمینه بر اساس شواهد تاریخی موفقیت چندانی نیز نداشته‌اند.

۴. تجربه کشورهای آمریکای لاتین

هدف این بخش از مطالعه، پاسخ به این پرسش اساسی است که از تجربه سیاست‌های پولی کشورهای آمریکای لاتین در تغییر نام و واحد پول این کشورها چه می‌آموزیم؟ واقعیت این است که بی‌ثباتی‌های کلان پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای آمریکای لاتین را به سمت انجام برخی اصلاحات پولی هدایت نمود. توجه به این نکته ضرورت دارد که به رغم ناپایداری سیاسی قابل توجه در منطقه آمریکای لاتین طی قرن بیستم، پول این کشورها

1. la Haye (1980), Chapter 2.
2. Conversion Factor

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

ثبات به مراتب بیشتری نسبت به سیاستمداران آنها داشته است، برای مثال آرژانتین طی دوره (۱۹۵۰ تا ۱۹۸۹) فقط چهار مرتبه پول خود را تغییر داده است، اما طی همین دوره به طور متوسط هر ۱۳ ماه یک بار، رئیس بانک مرکزی این کشور تغییر کرده است. علاوه بر این، «برزیل» طی دهه ۱۹۸۰ چهار مرتبه پول کشورش را تغییر داده است در حالی که طی همین دوره ۸ مرتبه روسای بانک مرکزی این کشور جابجا شده‌اند. در بین کشورهای آمریکای لاتین، عملکرد بولیوی بسیار قابل توجه بوده است. در بولیوی طی یک دوره بیست ساله که مرحله اوج آن ابرتورم سال ۱۹۸۴ بوده است، ۱۱ مرتبه کودتای نظامی صورت می‌گیرد و ۱۸ رئیس جمهور بر سر کار می آیند، اما فقط ۲ مرتبه پول این کشور تغییر می‌کند و فقط ۶ صفر آن کم می‌شود.

مقایسه جداول یک و سه که به ترتیب شامل تورم‌های بالا و مصادره‌های پول متعدد است، نشان می‌دهد که ضبط آشکار پول مانند استفاده از حق ضرب، روشی مرسوم در مواجهه با تورم‌های بالا است. در ادامه این بخش، عملکرد کشورهای آمریکای لاتین در اتخاذ سیاست‌های تغییر واحد پول این کشورها را مرور می‌کنیم. از آنجا که سیاست‌های تغییر نام پول ملی به‌طور کلی در شرایطی غیرکارشناسی و غیرهمگانی و به صورت ناگهانی صورت پذیرفته است، لذا در این بخش مطالب ارائه شده شرح وقایع تاریخی و نه تحلیل کمی اقتصادی است.

«برزیل» از ۱۹۸۵ به بعد، شش واحد پول مختلف داشته است و برای حذف صفرهای واحد پول نیز روشی محافظه کارانه را اتخاذ نموده است و هر مرتبه فقط ۲ تا ۳ صفر از پول ملی‌اش را حذف کرده است در واقع، در برزیل تغییر واحدهای قبلی پول ملی به طور معمول مشاهده می‌شود، به‌طوری که در سال ۱۹۹۰ بی‌آنکه ارزش پول ملی تغییر یابد و ضریب تبدیلی به‌کار گرفته شود، پول جدید جایگزین پول قدیم می‌شود. اصلاحات مکرر پولی در این کشور به گونه ای است که مقامات دولتی را در انتخاب اسامی‌جدید با مشکل مواجه کرده است. از این اسامی می‌توان به «کروزیرو»، «کروزادو»، «نیو کروزادو»، «بَک تو کروزیرو»، «ریل کرزیرو»[1] و اکنون فقط «ریل»[2] اشاره کرد.

در ۱۹۸۵، «پرو» روشی جدید برای تغییر واحد پولی کشورش ابداع کرد که عبارت از اینکه تعدادی از صفرهای واحد پول خود را برداشت اما در عمل «معنای نام» و پول خود را همچنان حفظ کرد. عنوان پول قدیمی آنها «سول»[3] بود که در زبان اسپانیایی به معنای خورشید است. مقامات پولی نام پول جدید را «اینتی»[4] گذاشتند که در زبان بومی‌آنها همچنان به معنی خورشید است. واحد پول جدید فقط شش سال دوام آورد و سپس واحدهای پول جدید دیگر که همگی مشتق از کلمه خورشید بودند ، انتخاب شدند. پس از واحد «اینتی» پول جدید این کشور «نیوسول»[5] یا «خورشید جدید» نام گرفت. با وجود این ، در انفجار تورمی این کشور، این پول جدید نیز به کار خود پایان داد.

1. Cruzeiro, Cruzado,Novocruzado, Back to Cruzeiro, Cruzeiro Read.
2. Read
3. Sol
4. Inti
5. Nuevo Sol

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

جدول ۳. نمونه‌هایی از برنامه اصلاح واحد پول ملی در کشورهای گوناگون

کشور	تاریخ	پول از رده خارج	نرخ تبدیل پول		نرخ تبدیل سپرده		نرخ تبدیل قیمت ها	سقف تبدیل پول توسط هر فرد	قانون پول های تبدیل نشده	دوره تبدیل	بسته شدن مرز
برمه	می ۱۹۶۴	۵۰ و ۱۰۰ کیاتی (بزرگ ترین ها)	۱:۱		–		–	۵۰۰ کیات (معادل ۲۰۰ دلار) که بعدا به ۲۰۰ کیات کاهش یافت	پول قدیمی رسید می شد و پس از بازجویی و کسر جریمه به پول جدید تبدیل می شد	۷ روز	خیر
برمه	نوامبر ۱۹۸۵	۵۰ و ۱۰۰ کیاتی (بزرگ ترین ها)	۱:۱		–		–	۵۰۰۰ کیات (به نرخ دولتی معادل ۵۷۳ دلار و نرخ بازار معادل ۱۳۸ دلار)	پول قدیمی رسید می شد و در یک تاریخ نامعین به شرط اثبات قانونی بودن تبدیل می شد	۲ ماه و سپس به یک ماه کاهش یافت	خیر
برمه	سپتامبر ۱۹۸۷	۲۵، ۳۵ و ۷۵ کیاتی (بزرگ ترین ها)	صفر		–		–	صفر	از بین می رفت و قابل تبدیل نبود	–	خیر
آلمان	جون ۱۹۴۸	همه پول ها	۱:۱		۱۰:۱		۱:۱	ابتدا به ازای هر شهروند ۴۰ دویچه مارک و دو ماه بعد ۲۰ مارک که بعدا تبدیل به ۶۰ مارک (۲۰ دلار) به ازای هر فرد کارفرمای مشاغل شد	در بانک سپرده‌گذاری می‌شود و پس از اثبات قانونی بودن پول تبدیل می شود. البته سه ماه بعد از اصلاحات ۷۰ درصد سپرده ها بی اعتبار شدند و نرخ تبدیل برای پول های تبدیل نشده عملا به ۱:۱۵٫۴ افزایش یافت	–	خیر
غنا	مارس ۱۹۷۹	همه پول ها	۵۰۰۰	۱۰:۷	۱:۱		۱:۱	نامحدود بود. تنها محدودیت شرط شهروندی بود.	از بین می رفت و قابل تبدیل نبود.	دو هفته	بله
			بالا تر	۱۰:۵							
غنا	ژانویه ۱۹۸۲	۵۰ سدیس (بزرگ ترین)	۱:۱		–		–	نامحدود بود. تنها محدودیت شرط شهروندی بود.	از بین می رفت و قابل تبدیل نبود.	–	خیر
عراق	می ۱۹۹۳	۲۵ دینار (بزرگ ترین)	۱:۱		–		–	نامحدود بود. تنها محدودیت شرط شهروندی بود.	از بین می رفت و قابل تبدیل نبود.	افراد ۷ روز و شرکت ها ۱ روز	بله
لائوس	جون ۱۹۷۶	همه پول ها	۲۰:۱		۲۰:۱		۲۰:۱	هر فرد ۱۰۰ هزار (به نرخ دولتی معادل ۸۰ دلار و نرخ بازار معادل ۱۲۰ دلار)، هر خانوار ۲۰۰ هزار و هر شرکت یک میلیون.	سپرده گذاری می شد و هر ماه ۱۰۰ هزار واحد آن تبدیل می شد	۱ روز	بله
شوروی سابق	دسامبر ۱۹۴۷	همه پول ها	۱۰:۱		۳۰۰۰ روبل	۱:۱	۱:۱	نامحدود	–	–	خیر
					۷۰۰۰ روبل	۱٫۵:۱					
					بالاتر	۲:۱					
شوروی سابق	ژانویه ۱۹۹۱	۵۰ و ۱۰۰ روبل (بزرگ ترین ها)	۱:۱		پس اندازها مسدود و هر ماه اجازه برداشت ۵۰۰ روبل داده می شد		–	۱۰۰۰ روبل و بیشتر آن نیازمند اثبات قانونی بودن پول بود که با همان نسبت ۱:۱ تبدیل می شد.	از بین می رفت و قابل تبدیل نبود.	۳ روز	خیر
روسیه	جولای ۱۹۹۳	اسکناس های قبل از سال ۱۹۹۳	۱:۱		–		–	۳۵۰۰۰ (معادل ۳۵ دلار به نرخ دولتی) که بعدها به ۱۰۰ هزار افزایش یافت	از بین می رفت و قابل تبدیل نبود.	۷ روز که بعدا به ۶ هفته افزایش یافت	خیر
رواندا	ژانویه ۱۹۹۵	۵۰۰ فرانک و بیشتر	۱:۱		۱:۱		۱:۱	۵۰۰۰ (به نرخ دولتی معادل ۳۶دلار و نرخ بازار معادل ۲۳ دلار)	سپرده گذاری می شد با قوانین نامشخص و تعریف نشده	۲ روز	خیر
سودان	می ۱۹۹۱	۵۰ و ۱۰۰ پوندی (بزرگ ترین ها)	۱:۱		۲۰ درصد همه سپرده های بالای ۱۰۰ هزار پوند (معادل ۲۲۰۰۰ دلار به نرخ رسمی) برای مدت یک سال مسدود و سپس بدون پرداخت بهره به پول جدید تبدیل شدند. سپرده های بالای ۵۰۰۰ پوند نرخ تبدیل ۲ درصدی دریافت کردند.				رسید می شد با قوانین نامشخص و تعریف نشده	۷ روز	خیر
ویتنام	سپتامبر ۱۹۸۵	۱۰ دونگ و بیشتر	۱۰:۱		به تاریخ سپرده گذاری نرخ تبدیل پول قدیم به جدید بین ۱ تا ۱۰ بستگی داشت. ۱-۱۰:۱		۱:۱	هر خانوار ۲۰۰۰۰ دونگ (به نرخ دولتی معادل ۵۰ دلار و نرخ بازار معادل ۲۰ دلار) و هر فرد ۱۵۰۰۰ دونگ	رسید می شد با قوانین نامشخص و تعریف نشده	–	خیر

Source: Mas, I (1995).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

کشورهای دیگر نسبت به برزیل در اعمال ضریب تغییر واحد پول خود بی‌پرواتر بودند. «آرژانتین» چهار صفر از پول خود را در سال ۱۹۹۱ حذف کرد. در ۱۹۸۵ بولیوی شش عدد از صفرهای پول خود را حذف کرد. تجربه این کشور در این زمینه جالب بود. زیرا برای تعیین نام واحد پول ملی‌اش مرتکب اشتباه شگفت‌آوری شد و واحد «پزو» را فقط با یک تغییر نام به واحد ««بولیویانو»[1] به معنای ««بولیویایی» مبدل کرد (مانند این‌که واحد پول ما از ریال به ایرانی تبدیل شود) و سه صفر آن را نگهداشت. هر واحد «بولیویایی» معادل نیم دلار بود و در واقع با تغییر نام به شکلی نسنجیده و بدون رعایت قواعد معمول، واحد پول این کشور همنام با مردم آن شد و به این معنا که دولت، قیمتِ هر فرد بولیویایی را ۵۰ سنت تعیین کرد.تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین تا پیش از سال ۱۹۹۳ «اصلاحات تمیز» پولی را بر پول خود اعمال کردند. مکزیک نیز پیش از پیوستن به «نفتا» چنین اقدامی را انجام داد و. واژه «پزو» را برای پول کشورش حفظ کرد، اما نام پول جدید را به «نیوپزو»[2] تغییر دادکه ارزش آن یک هزارم «پزو» پیشین بود.

در سال ۱۹۹۳در «اروگوئه» ، بر عکس واحد پول قدیمی «نوو پزو» بود، اما واحد پول جدید صرفا «پزو» نام گرفت. یادآوری می‌شود که «نوو پزو» در سال ۱۹۷۵ جایگزین پزو شده بود و به این ترتیب از تبدیل پزو به نوو پزو، واحد پول کشور اروگوئه شش صفرش را از دست داد. با وجوداین «نوو پزو» هجده سال دوام یافت که در منطقه آمریکای لاتین امتیاز خوبی محسوب می‌شود.

کشور «شیلی»، طی اصلاحات اقتصادی – سیاسی دهه ۱۹۸۰ همواره به واحد پول کشورش (پزو) پایبند بود و به عنوان یکی از پول‌های قوی و قابل اطمینان منطقه آمریکای لاتین شناخته می‌شد و. شاید به این دلیل بود که برخی کشورهای آمریکای لاتین در دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به تناوب و به بدترین روش ممکن واحد پول کشور خود را تغییر دادند. «پزو» شیلی طی دو مرحله، حذف سه صفر را تجربه کرده است ابتدا، در سال ۱۹۶۰ هنگامی‌که پزو در شرایط بد اقتصادی تحت «اسکودوی جدید» خارج شد و مرتبه دوم در سال ۱۹۷۵یعنی هنگامی‌که دولت برنامه «بازگشت به آینده»[3] را با ترمیم «پزو» اجرا کرد.

با نگاهی به آینده، در می‌یابیم که در منطقه آمریکای لاتین از بین همه کشورها و واحدهای مهم پول، صرفا دو کشور «کلمبیا» و «ونزوئلا» هستند که از زمان جنگ جهانی دوم به بعد، واحد پول خود را تغییر نداده اند. البته واحد پول کشورهای درجه دو آمریکای لاتین مانند کاستاریکا، هندوراس،

1. Boliviano
2. Nuevo Peso
3. The Back-to-the-Future

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

گواتمالا و السالوادور نیز ثابت مانده است که البته این کشورها در مقایسه با کشورهای اول از اهمیت کمتری در منطقه برخوردارند. واحد پول کشور ونزوئلا، «بولیوار»[1]، پاناما «بالبوآ»[2] و کاستاریکا و السالوادور، «کولون»[3] است که تلفظی محلی از کلمه «کلمبوس»[4] است. نکته قابل اینکه واحد پول ثابت این کشورها نشان‌دهنده افتخارات و نام قهرمانان ملی این کشورها است.

مستعمرات سابق انگلستان در منطقه آمریکای لاتین نیز واحد پول خود را تغییر داده اند اما به جای اینکه صفرزدایی کنند، بسیاری از آنها با انگیزه استفاده رایگان از اعتبار جهانی دلار، در نام گذاری مجدد پول ملی خود دلار آمریکا را جایگزین پوند انگلستان کردند. این گروه از کشورها در راستای «دلاریزاسیون»[5] پولی ملی ارزش پول کشور خود را حداقل تا دو برابر افزایش دادند. کشورهای دیگر نیز واحد پول خود را همراه با شکل جدیدی از اصلاح سیاسی تعویض کردند تا به این وسیله به احتمال زیاد واحدهای پول مشترک که میراثی از دوران استعمار بودند را کنار بگذارند (به ویژه در منطقه آفریقا و حوزه کارائیب). انگیزه دیگر این گروه از کشورها «دهگانی کردن» واحد پول ملی نیز بود. مهم‌ترین این کشورها عبارت‌اند از: آفریقای جنوبی در سال ۱۹۶۱، سیرالئون در سال ۱۹۶۴، غنا در سال ۱۹۶۵، استرالیا در سال ۱۹۶۶، باهاماس در سال ۱۹۶۶، نیوزلند در سال ۱۹۶۴، فیجی در سال ۱۹۶۹، گامبیا در سال ۱۹۷۱، مالاوی در سال ۱۹۷۱ و نیجریه در سال ۱۹۷۳.

۵. تغییر واحد پول به عنوان یک شرارت پولی[6]

در واقع، این نوع سیاستگذاری‌ها را می‌توان علف‌های هرز باغ سیاست‌های درست پولی نامید. اصلاحات واحد پولی در بیشتر مواقع با نوعی شرارت و تقلب همراه بوده است و در بیشتر موارد تلاش شده تا وانمود شود که رژیم پولی یا اقتصادی تغییر یافته است که البته با قدیمی شدن این شیادی، اکنون در صفرزدایی از حیله‌های دیگری نیزاستفاده می شود. برای مثال، به مردم القاء می‌شود که میزان دارایی آنها پیش و پس از صفرزدایی تغییری نمی‌کند و به این وسیله سعی در پنهان کردن مصادره اموال مردم می‌کنند. مصادره پول، هنگامی صورت می‌گیرد که ناگهان پول

1. Bolivar
2. Balboa
3. Colon
4. Columbus
5. Dollarization

۶. اصطلاح «شرارت پولی» یا monetary mischief برگرفته از کتابی با همین عنوان از میلتون فریدمن است که در سال ۱۹۹۲ منتشرشده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

قدیمی از حالت پول رایج قانونی خارج می‌شود و دولت‌ها برای اجرای این سیاست از چند راهکار استفاده می کنند که عبارت اند از:

۱. معرفی یک دوره کوتاه‌مدت برای تغییر واحد پولی که پس از این دوره نیز پول‌های قدیمی ارزش خود را از دست می‌دهند.

۲. محدود کردن پول‌های قدیمی قابل مبادله.

۳. محدود کردن افرادی که اجازه مبادله دارند.

۴. برقراری نرخ تنبیهی تبدیل ذخایر پولی نسبت به پرانتزها و دستمزدها وقیمت ها.

۵. اعمال هزینه برای مبادلات پول قدیم و جدید هم به‌وسیله موانع مبادلاتی (صرفاً معرفی چند مکان خاص برای مبادلات) و یا توسط محدودیت معرفی منابع و اثبات مالکیت پول‌های قدیمی.

در ادامه مقاله، برخی تجربه‌های اجرا شده صفرزدایی از طریق تکنیک‌های پنج‌گانه فوق ارائه می‌شود. جدول شماره سه، ویژگی‌های کلیدی تبعیض آمیزترین و پرمصادره‌ترین اصلاحات پولی را در پنجاه سال گذشته نشان می‌دهد. البته این جدول را می بایست تنها به عنوان یک ضرورت مهم بحث و نه استدلال دقیق در این زمینه تلقی نمود. مقایسه جداول یک و سه نشان می‌دهد که مصادره مخفیانه پول یک روش کسب حق ضرب مانند ابرتورم است. در این بخش به دلایل دولتی و غیردولتی انجام چنین اصلاحاتی اشاره خواهد شد. در نهایت از جهت مالی، تجربه برخی کشورها که اطلاعات آنها موجود باشد را مورد بررسی قرار می دهیم.

اصلاح واحد پولی آلمان که در سال ۱۹۴۸، به شکلی کاملاً موفق انجام شد را می‌توان نقطه شروعی برای معجزه اقتصادی پس از جنگ آلمان معرفی کرد. این موفقیت، سیاست‌های اصلاح پولی همراه با مصادره اموال را به یک گزینه سیاستی واجد شرایطی مبدل کرد که توسط رسانه‌های همگانی و تخصصی در کشورهای کمونیستی سابق و جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق پیشنهاد می‌شد. دولت‌هایی که این اصلاحات را انجام داده‌اند، به اهدافی مانند مبارزه با اخلال‌گری‌های ایجاد شده توسط سفته‌بازان، رباخواران و فعالان بازارهای سیاه و دفع تهدیدات امنیتی داخلی و خارجی توجه داشته اند. دو مولفه اصلی اجرای سیاست تغییر واحد پولی یا حذف سه صفر عبارت‌اند از: «بد جلوه دادن»[1] و «از رواج انداختن»[2].

از آنجا که پول نقد، روغن چرخ بازارهای سیاه محسوب می‌شود، این تصور در ذهن مقامات پولی و اقتصادی کشورها وجود دارد که اصلاح واحد پولی، به فعالان اقتصادی بازارهای سیاه آسیب

1. Bemonize
2. Demonetize

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

جدی وارد خواهد کرد. پول نقد از فرایند پولشویی عبور کرده، تمیز می‌شود و مورد پذیرش افراد قرار می‌گیرد و در وجهِ آورنده است و به اثبات مالکیت نیز نیاز ندارد و به طور کلی از امنیت بالایی در اجرای تخلفات برخوردار است.

دولت‌ها مدعی‌اند که می‌توانند با مصادره پول، پس اندازهای غیرقانونی و پول کثیف موجود در سیستم‌های مالی و بانکی کشور را شناسایی کنند. همان طور که در جدول شماره سه مشاهده می‌شود، در این شرایط تلاش می‌شود تا تعهد کنندگان دولتی یعنی افرادی که پول نقد در اختیار دارند از نظر جامعه، افراد متخلف تصور شوند و از نظر دولت چنین افرادی برای نگهداری حجم قابل توجهی پول نقد انگیزه بیشتری دارند. در بیشتر موارد، دولت‌ها تصور می‌کنند که افراد خارجی (غیرشهروند) فقط با انگیزه دلالی و سفته بازی پول کشور آنها را نگهداری می‌کنند و لذا قوانین مصادره اموال آنها در بسیاری از موارد صرفاً ویژه افراد خارجی است. برای مثال، بانک مرکزی کشور برمه، که یکی از بزرگترین تغییر واحدهای پول ملی را در سال ۱۹۶۴ داشته است، در توجیه سیاستش اظهار می‌دارد که: «هدف اجرایی این سیاست، حذف قدرت خرید حجم هنگفتی از پول‌های مخفی است که می‌تواند در راستای آشفته سازی اقتصاد و دولت از طریق فعالیت‌هایی مانند احتکار کالاهای اساسی مورد نیاز، استفاده شود.

در کشور نیجریه، مصادره پول نیز با هدف مشابه اما با ساز و کار متفاوتی انجام شد. بانک مرکزی نیجریه در توجیه اجرای سیاست مصادره پول در سال ۱۹۶۷، اعتقاد دارد که این سیاست به منظور از بین بردن قاچاق پر منفعت پول کشور توسط برخی کشورهای همسایه اتخاذ شده است. علاوه بر این، اصلاح واحد پول این کشور در سال ۱۹۸۴ نیز با این توجیه انجام شد که استرداد پول بی‌ارزش کشور که به طور غیرقانونی خارج از مرزها دست به دست می‌شد و ممانعت از قاچاق غیرقانونی و دیگر جرایم مرتبط با آن و بی‌اعتبار کردن پول موجود در دست افرادی که آن را در مبادلات مشکوک به‌کار گرفته و آن را احتکار می‌کنند و به طور کلی افرادی که از منابع غیرقانونی قادر به تجمیع این حجم قابل توجه از پول نقد شده‌اند».

دفاع ملی نیز یکی از موارد توجیه انجام اصلاحات پولی است. به طور کلی، کشورهای درگیر جنگ شهری یا دچار شورش به بی‌اعتبار کردن پول افراد شورشی متخاصم اقدام می‌کنند. می‌توان ادعا کرد که نخستین اصلاح واحد پولی با چنین هدفی در سال ۱۹۶۷ در «نیجریه» انجام شد که پنج ماه درگیر جنگ در منطقه «بیافرا»[1] بود و هدف اصلی این اصلاحات نیز حذف قدرت پولی

1. Biafra

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

شورشیان بود. در واقع، با ایجاد محدودیت استفاده از پول ملی جدید در ۹ ایالت، پول سه ایالتی که در دست افراد شورشی قرار داشت، بی ارزش شد. البته افراد شورشی نیز پول جدیدی را چاپ کردند و در سال ۱۹۶۸با آزادسازی برخی ایالت‌ها از دست این افراد، حوزه استفاده از پول جدید به مناطق دیگر نیز گسترش یافت.

کشورهای نیکاراگوئه و موزامبیک نیز سابقه استفاده از این ابزار (از رواج انداختن پول ملی) جهت ضربه زدن به طرف مقابل را در جنگ‌های داخلی داشته‌اند. در نیکاراگوئه، اصلاح واحد پول سال ۱۹۸۸ به هنگام جنگ با شورشیان «کونترا»[1] و در موزامبیک در سال ۱۹۸۰ در مواجه با جنبش مقاومت مردمی‌دقیقا با هدف وارد ساختن ضربه مالی به طرف مقابل در جنگ انجام شد. نکته قابل توجه این است که اگرچه نگرانی امنیتی سیاستگذاران پولی از آثار منفی ناشی از سیاست‌های دولت متخاصم خارجی یا کاهش قدرت مادی گروه‌های معاند داخلی همواره یکی از دلایل اصلاح واحد پولی بوده است، اما در برخی موارد این نگرانی به طور مخفی بوده است و برخی اهداف فنی (تخمین پول قانونی در گردش، خروج پول جعلی، مبارزه با قاچاق) مطرح شده است و در برخی موارد نیز اهداف امنیتی به روشنی مطرح شده است. کشور نیجریه، مثالی از دوگانگی اهداف اصلاح واحد پول ملی در مقابله با توان مالی گروه‌های معاند داخلی است و کشورهای شوروی سابق و عراق نیز مثالی از تصریح نگرانی‌های امنیتی مقامات پولی در قبال سیاستگذاری خصمانه کشورهای خارجی هستند. اگر چه در نیجریه، اهداف اصلاح واحد پول ملی به ظاهر فنی بودند اما در واقع، نوعی نگرانی‌های امنیت ملی پشت این سیاست نهفته بود. دلایل انجام اصلاحات پولی نیجریه در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۸۴ مواردی مانند پیش دستی در استفاده از پول‌های منتشر نشده‌ای که از شعبات بانک مرکزی به سرقت رفته اند و یا خروج پول جعلی و تعیین حجم پول قانونی در جریان اعلام شد، اما پیشتر نیز مطرح شد که هدف اصلی از اجرای این سیاست، کاهش توان مالی گروه‌های شورشی بوده است.

مثال دیگر در این زمینه کشور سودان است. مقامات سودانی برای مقابله با افزایش توان مالی مخالفان، واحد پول ملی را تغییر دادند، اما طبق گزارش بانک مرکزی سودان، یکی از دلایل اصلاح واحد پولی در سال ۱۹۹۱، کسب اطلاعات دقیق از حجم نقدینگی به منظور مهیا نمودن برنامه‌ریزی دقیق و تصمیم‌گیری درست اقتصادی بوده است. دلیل دیگر دولت سودان برای اصلاح واحد پولی، کنترل نقدینگی بود. در تصریح هدف کنترل نقدینگی، بانک مرکزی سودان به وضوح اعلام

1. Contra

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

می‌کندکه در بیشتر کشورهای لیبرال و بازارهای آزاد، نقدینگی محدود شده است و برای مثال در آمریکا، هیچکس نمی‌تواند بدون مجوز رسمی، بیش از ۱۰ هزار دلار از حساب شخصی‌اش خارج کند. اما در سال ۱۹۹۱، پاولوف[1] نخست وزیر شوروی تبدیل روبل را بر این اساس توجیه نمود که بانکهای غربی در صدد طراحی توطئه‌ای با هدف تضعیف روبل هستند بر همین اساس حجم قابل توجهی از ارزهای معین نگهداری گردید.

دولت عراق نیز تغییر واحد پولی کشورش را در سال ۱۹۹۱، که در مقیاس خود یک رکورد محسوب می‌شد را با این توجیه انجام داد که دولت‌های کویت و امارات متحد عربی دینارهای عراقی را برای بی‌ثبات ساختن سیاست پولی و شرایط اقتصادی عراق احتکار می‌کردند.

علاوه بر این، اصلاحات پولی ممکن است پس از پیروزی گروه‌های انقلابی و برپایی حکومت جدید و پایان دوره مبارزه انجام شود. برای مثال، اصلاح پولی کشور لائوس در سال ۱۹۷۶، شش ماه پس از ظهور دولت مارکسیستی و با هدف از رواج انداختن پول دولت قبلی انجام شد و پول جدید، با نسبت یک به یک با پولی که توسط انقلابیون پیش از پیروزی انتشار یافته بود مبادله می‌شد، در حالی که نسبت تبدیل پول جدید با پول حکومت پیشین بیست به یک بود و این موضوع منجر به کاهش ۸۰ درصد از ارزش ثروت مخالفان دولت مارکسیستی جدید شد. مشکل مشترک در تجارب مختلف تغییر واحد پولی، ظهور بازار سیاه برای پول‌های قبلی است که نتیجه حتمی‌اصلاحات تبعیض‌آمیز است و موجب می‌شود تا برخی افراد به پول‌های جدید دسترسی ویژه داشته باشند و از این موقعیت سوء استفاده کنند. برای رفع این مشکل، کشورهای مختلف تمهیدات متعددی را اتخاذ کرده‌اند که در جدول شماره سه، برخی از آنها ارائه شده است. محدود ساختن دوره تبدیل پول جدید و تشویق به سپرده‌گذاری پول‌های قدیمی از راهکارهایی بود. که برای پیشگیری از ایجاد بازار سیاه پول جدید اعمال شد. برای مثال، دوره‌های کوتاه‌مدت تبدیل در کشورهای نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۸ و شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ که تنها سه روز بود، کمک کرد تا از ایجاد بازارهای سیاه سازمان یافته و زنجیره‌ای پیشگیری شود و وسعت حوزه جغرافیایی تبدیل پول نیز محدود گردد. علاوه بر این، مقامات پولی با اعلام این موضوع که به طور قطعی در آینده مابقی پول‌های قدیمی را تبدیل خواهند کرد (که معمولا این چنین نمی‌شود) از مردم می‌خواهند که مقادیر پول‌های قدیمی تبدیل نشده خود را در بانک سپرده‌گذاری کنند تا به این وسیله مانع ایجاد بازارهای سیاه شوند. اجرای این دو سیاست، در مردم این انگیزه را ایجاد می‌کند که پول‌های مخفی

1. Pavlov

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

خود را آشکار کنند. از آنجا که گاهی برای تبدیل پول قدیم به جدید، محدودیت‌هایی بر حجم پول قدیم اعمال می‌شود افراد، مازاد پولی قدیمی خود را با الزام دولت در بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌کنند، اما همان طور که در جدول شماره سه مشاهده می‌شود، ضوابط بازپرداخت سپرده‌های پولی مازاد موجود در بانک در زمان تبدیل بندرت مشخص شده و به مرحله اجرا در می‌آید.

مقامات لائوس در سال ۱۹۷۶، با اعلام سیاست اصلاح پولی از مردم خواستند برای تعیین محدودیت‌های تبدیل، تا پایان روز کل موجودی پول خود را اظهار کنند. با اطمینان می‌توان اظهار داشت که الزام به سپرده‌گذاری اسکناس‌های غیرقابل تبدیل قدیمی در بانک‌ها، نوعی مصادره غیررسمی‌پول است و تصادفی نیست که اتخاذ چنین سیاستی بیشتر در کشورهایی مانند موزامبیک و رواندا که اقتصاد روستایی و شبکه بانکی ضعیف داشته‌اند و مردم دسترسی مناسبی به بازار ندارند، تغییر واحد پول موزامبیک در ژوئن سال ۱۹۸۰، با احتیاط کامل و با زمان بندی مناسب انجام شد. ابتدا، سازمان‌ها و شرکت‌ها به سپرده‌گذاری موجودی پول خود در بانک‌ها ملزم شدند و فقط اجازه داشتند تا روزانه میزان پول نقدی معادل ۱۵۰ دلار را با نرخ متداول بازار سیاه نگهداری کنند و سپس چند ماه بعد، دولت اصلاحات پولی جدیدی را ارائه کرد که شامل سپرده‌گذاریهای پولی بانک‌ها بود.

اصلاح واحد پولی در رواندا با هدف از رواج انداختن و بی‌اعتبار کردن پول‌های غارت شده از صندوق بانک مرکزی در پی جنگ خونین شهری و سقوط دولت انجام شد. در ماه جولای سال ۱۹۹۳، سران پیشین حکومت ۱۳۹ جعبه از پول‌های ضرب شده جدید را با خود به تبعید در «زئیر» بردند، که در نهایت توسط مقامات زئیر، نیز مصادره شد. سران جدید حکومت رواندا به دلیل نداشتن کلید گاوصندوق‌ها قادر به تخمین حجم پول‌های سرقت شده نبودند و با گذشت بیش از سه ماه پس از گشودن این گاوصندوق‌ها مشخص شد که اسکناس‌های بانک مرکزی نسبت به آخرین شمارش موجودی که در ماه آوریل سال ۱۹۹۳ (یعنی دو ماه پیش از سرنگونی دولت پیشین) بیش از ۴۷ درصد کاهش یافته است و با توجه به دوره عدم شمارش ذخایر پولی بانک مرکزی، کارشناسان تخمین زدند حجم پول سرقت شده بالغ بر ۱۵۳ میلیون دلار به نرخ رسمی و ۹۷ میلیون دلار به نرخ بازار آزاد است. بر این اساس، دولت جدید تلاش کرد تا پول رایج کشور را برای کاهش قدرت اقتصادی مخالفان تغییر دهد و بسیاری از پول‌های قانونی نیز مشمول سیاست جدید دولت شدند و به این ترتیب کشوری که هم فیزیکی و هم به صورت اجتماعی در نتیجه جنگ‌های داخلی بسیار تضعیف شده بود و محدودیت‌های متعدد مالی داشت، با اعمال یک بازه زمانی دو روزه به تبدیل

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

پول ملی خود اقدام کرد. هنگامی که افراد خارج از کشور، که از جهت دولت مرکزی، متخاصم تلقی می‌شوند و پول کشوری را نگهداری کنند، اقدام معمول این است که مرزهای کشور طی دوره تبدیل پول قدیم به جدید بشدت تحت نظارت قرار می گیرد و مسدود می‌شوند تا صرفا افراد داخلی به مبادله پول‌های قدیمی اقدام کنند و پول‌های خارجی به سیستم اقتصادی کشور نفوذ نکند. این سیاست در کشورهای غنا، عراق، لائوس، موزامبیک و نیجریه اجرا شد. هنگام اصلاح واحد پولی کشور غنا، علاوه بر ممانعت از تبدیل پول‌های خارجی، مقامات از طریق اعطای مجوز به بانک‌های برخی ایالات، صرفاً اقدام به ایجاد محدودیت تبدیل پول در برخی ایالت‌های خاص کردند و سپس با ایجاد زمینه اضطراب مجازی و بیم و هراس در مردم جهت بروز واکنش سریع نسبت به اجرای این سیاست و فرصت ندادن به افراد سودجو یا تحریم شده از تبدیل پول که در خارج از کشور بودند، ادارات دولتی دیگر نیز مجوز تعویض پول را دریافت کردند.

سیاست تبدیل پول در روسیه طی سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۳ در نتیجه ایجاد بازار سیاه برای پول‌های قدیمی با شکست مواجه شد. در سال ۱۹۹۱، پیش‌بینی‌ها در زمینه شرایط تبدیل پول قدیم به جدید تحقق یافت و بی‌اعتباری قریب الوقوع و حتمی پول در گردش قدیمی روسیه به درستی توسط مردم پیش بینی شد. در نهایت، ارزش کل پول‌های مصادره شده به ۳ درصد ارزش پول‌هایی که می‌بایست از رده خارج شوند، رسید و فقط شامل یک درصد کل سکه و اسکناس در گردش شد. بنابراین، درآمدهای دولت فقط به میزان ۵ درصد از ۲۶ میلیاردی که پیشتر تصور می‌شد در برابر تعویض پول قدیم به جدید کسب کند، کاهش یافت. در سال ۱۹۹۳، از آنجا که هنوز پول‌های از رده خارج شده می‌توانست خارج از روسیه و در کشورهای دیگر عضو روبل مبادله شوند، بسرعت بازار سیاهی برای پول‌های قدیم و جدید ایجاد کرد که طبق گزارش‌ها از این بازار سیاه، پول‌های قدیم و جدید با نسبت ۲ به ۱۳ مبادله می‌شدند.

در ویتنام در سال ۱۹۸۵، دولت برخی از اسکناس‌ها را که از یک سطح مشخص بیشتر ارزش داشتند (بیش از ۶۷ سنت آمریکا به نرخ رسمی) از رده خارج کرد. رواج این شایعه که دولت قصد دارد پول ملی را از رواج بیندازد، موجب شد تا مردم بشدت به خرید کالا اقدام کنند و به طور همزمان، تولید مختل شد، زیرا شرکت‌ها فقط نیمی‌از پول خود را به گردش انداختند. کسری‌های حجیم قبل و هنگام اجرای سیاست از رواج انداختن پول رایج، موجب تورم سرکوب شده شدیدی شد و نرخ دلار در بازار سیاه را بشدت افزایش داد، به طوری که طی یک سال، بدون توجه به سطح ثابت قیمت‌ها، نرخ دلار سه برابر نرخ رسمی آن افزایش یافت.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

علاوه بر این، گذشت زمان نشان می‌دهد که برخی کشورها به جای ایجاد محدودیت برای شهروندان داخلی و خارجی در تعویض پول قدیمی ، آنها را از طریق نرخ‌های تبدیل تنبیهی، محدود و یا جریمه کرده اند. هنگام اصلاح واحد پول ملی شوروی در سال ۱۹۴۷ و در ویتنام در سال ۱۹۸۵، نرخ تبدیل پول نقد برابر $\frac{۱}{۱۰}$ نرخ تبدیل پول موجود در حساب‌های بانکی یا دستمزد سراسری و سطح قیمت بود. نرخ تبدیل پول در غنا طی سال ۱۹۷۹، از $\frac{۱}{۲}$ تا $\frac{۱}{۴}$ متغیر بود که به دیگر قیمت‌ها و پس‌انداز بنگاه‌های مالی نیز تعمیم داده شد. در برخی موارد، نسبت تبدیل پول قدیم و جدید بر مبنای حجم پول‌های قدیمی افزایش یافت تا محتکران پول قدیم بیشتر جریمه شوند، مانند شرایطی که در کشور غنا در سال ۱۹۷۹ وقوع یافت. در جدول شماره سه مشاهده می‌شود کشورهایی که از طریق سیاست اصلاح واحد پول، اقدام به مصادره پول‌های قدیمی کردند، به طور دائم در پی تغییر واحد پولی خود بودند و هر مرتبه این سیاست را با مختصات متفاوتی انجام داده‌اند تا مولفه غافلگیری را نیز رعایت کرده باشند. برای مثال، در شوروی بازی تغییر واحد پولی از سال ۱۹۴۷ و در دوره استالین با معرفی روبل جدید شروع شد. سیاست‌های مشابهی نیز در زمان گورباچف و یلتسین اجرا شد. واقعیت این است که عادات قدیمی به دشواری ترک می‌شوند. غنا در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۲، لائوس در سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۹ و نیجریه در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۸۴ چنین سیاست‌هایی را مجدداً اجرا کردند.

اصلاح واحد پولی برمه، ترکیبی از سه کمدی مختلف سیاستگذاری است. در سال ۱۹۶۴، پول رایج این کشور به طور ناگهانی کنار گذاشته شد که در نوع خود با توجه به حجم پول قدیمی از رده خارج شده در دنیا نیز بی‌نظیر بوده است. در سال ۱۹۸۵، مقامات مجدداً واحدهای جدید پولی را که در سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۹ معرفی شده بودند را از رواج انداختند. پس از این دو رویداد، دولت اسکناس‌های کوچک‌تر و فرد ۱۵، ۲۵، ۳۵ و ۷۵ «کیاتی»[1] را جایگزین شکل استاندارد قبلی ۵۰ و ۱۰۰ «کیاتی» کرد. در سال ۱۹۸۷، دولت برمه ناگهان اسکناس‌های ۲۵، ۳۵ و ۷۵ کیاتی را از گردونه خارج کرد و فقط اسکناس‌های ۱۵ «کیاتی» را باقی گذشت که معادل ۲/۲۷ دلار امریکا به طور رسمی و معادل ۱۹ سنت به طور غیررسمی در بازار سیاه بود. سپس برای انجام معاملات بزرگ، دولت بعدی اسکناس‌های ۴۵ و ۹۰ کیاتی را وارد بازار کرد که بسیار نزدیک به همان اسکناس‌های اولیه ۵۰ و ۱۰۰ کیاتی بودند. اثر خالص انجام چنین اصلاحاتی در تبدیل واحد

1. Kyat

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

پول ملی دقیقا «هیچ» بود و پول این کشور را از سیستم «ده دهی» به مضرب‌هایی از ۹ تبدیل کرد. از سال ۱۹۹۴، دولت مجددا همان اسکناس‌های ۵۰ و ۱۰۰ کیاتی را در کنار اسکناس‌های ۵۰۰ کیاتی برای انجام مبادلات ارزی وارد بازار کرد.

کمی ساختن درآمد دولت‌ها از اصلاح واحد پول ملی، دشوار است؛ زیرا ساختار پنهان این سیاست که در برخی موارد در عمل مصادره پول نقد مردم است، دولت را در ارائه اطلاعات بی‌انگیزه می‌سازد. پول‌های تبدیل نشده مبدل به یک حساب بانکی می‌شود و یا با پولی با پشتوانه مبادله نیز می‌شوند که کیفیت و میزان استهلاک این مبادله اعلام نشده و پنهان می‌ماند. علاوه بر این، اطلاعات پولی ماهانه بانک‌های مرکزی یا صندوق بین‌المللی پول چندان قابل اطمینان نیستند، زیرا تغییرات گزارش شده در میزان پول نقد نگهداری شده همان‌طور که می‌تواند بازتابی از اصلاح پول ملی باشد، می‌تواند نشان‌دهنده افزایش سرعت گردش پول ناشی از دست به دست شدن و ممانعت از نگهداری پول قدیم برای پیشگیری از مصادره آن و یا سرکوب شدن ناگهانی تقاضای پول جهت هماهنگی با بحران نقدینگی آتی باشد.

جدول ۴. ارزیابی مولفه مصادره پول در اصلاحات پول رایج

کشور	سال	به پول ملی (میلیون)	به دلار آمریکا (نرخ رسمی)	به دلار آمریکا (نرخ آزاد)	درصد از پول در گردش	درصد از کل درآمد دولت	درصد از تولید ناخالص داخلی
برمه	۱۹۶۴	۴۰۰	۸۴		۱۸	۲۴	۵,۳
برمه	۱۹۸۷	۱۰۴۰۰	۱۵۶۰	۲۶۰	۶۰	۱۴۴	۱۵,۷
غنا	۱۹۷۹	۶۳۰	۲۳۰	۶۳	۳۰	۲۴	۲,۲
نیجریه	۱۹۶۷	۲۴	۶۶	۳۸	۲۳	۱۱	۰,۸
نیجریه	۱۹۸۴	۲۰۰۰	۲۶۷۰	۶۴۰	۳۶	۲۷	۳,۵
سودان	۱۹۹۱	۵۴۰۰	۵۶		۱۸		

Source: Mas, I. (1995).

جدول شماره چهار، تخمینی از میزان مصادره پول مردم را در برخی کشورها نشان می‌دهدو مربوط به کشورهایی است که امکان دستیابی به اطلاعات آنها وجود داشته است. درآمد دولت برمه

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

از اصلاح واحد پولی سال ۱۹۸۷، برابر با ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بوده است که بشدت بالا و غیرواقعی به نظر می‌رسد. نرخ بالای پول نقد نسبت به تولید ناخالص داخلی، به دلیل سیستم مالی غیرپیشرفته برمه و شاید کیفیت پایین اطلاعات آن کشور است.

در غنا و نیجریه، حجم مصادره اموال در هر دوره اصلاح واحد پول ملی بین ۰/۸ تا ۳/۵ درصد تولید ناخالص داخلی و ۱۱ تا ۲۷ درصد درآمدهای سالانه دولت یا ۲۳ تا ۳۶ درصد حجم پول قبلی در جریان بوده است. این مقادیر، با هر استانداردی کلان و قابل توجه است و در واقع به مفهوم حق ضرب سالانه دولت به واسطه تورم بالا است که پیشتر یادآوری شد. موضوع جالب این که مصادره‌های متوالی به همراه اصلاحات پی در پی پولی در یک کشور، همچنان درآمد قابل توجهی را برای دولت ایجاد کرده است و دولت همواره از هرگونه خسارتی در امان بوده است. در هر حال، درآمدهای تورمی را می‌توان به‌طور سالانه وصول کرد، در حالی که مصادره پول نقد فقط به‌طور دوره‌ای و در دفعات معدود به دست می‌آیند. و در مواردی که مصادره پولی با فواصل کمتر از پنج سال انجام شده است (مانند شوروی) به لحاظ درآمدزایی تجربه بسیار ناموفق بوده است.

۶. دو واحد پول برای یک کشور

تاکنون همه مثال‌ها نشان دهنده تغییر پول قدیمی و ارائه پول جدید با یک نرخ ثابت مبادله بین آنها طی دوره زمانی مشخص و محدود بوده است. وقایع جالب‌تر هنگامی روی می‌دهند که دولت‌ها پول‌های جدیدی را منتشر می‌کنند، اما پول‌های قدیمی را از رده خارج نکرده‌اند و دو پول ملی در فعالیت‌های اقتصادی به نوعی با یکدیگر رقابت می‌کنند. نیکاراگوئه در سال ۱۹۹۰، چنین موضوعی را تجربه کرد که کاملا متفاوت با اصلاح مصادره آمیز شدید پول این کشور در سال ۱۹۸۸ بود.

علاوه بر این، اکراین تا پیش از جدایی از شوروی، سیستم دوگانه پولی را تجربه کرده بود. در حالی که در نیکاراگوئه دو پول قدیم و جدید رقیب هم محسوب می‌شد، در اکراین، این دو پول مکمل یکدیگر بودند، زیرا در پرداخت‌ها ارائه هر دو پول الزامی‌بود. اصلاح واحد پولی نیکاراگوئه در سال ۱۹۹۰، با تفکر ایجاد دو واحد پول در کنار یکدیگر انجام شد. در واقع، در تبدیل واحدهای پولی قدیم و جدید محدودیت وجود نداشت و محدودیت زمانی نیز در نظر گرفته نشد و نرخ تبدیل دو پول قدیم و جدید نیز کاملا مبتنی بر نرخ مبادله بازار بود و بدون دخالت دولت هر روز نوسان داشت، البته در عمل برخی محدودیت‌ها در مورد پول قدیمی اعمال شد، به این ترتیب که پول قدیمی به‌طور مستقیم قابل تبدیل به واحد پول خارجی مانند دلار نبود و ابتدا می‌بایست تبدیل به پول

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

جدید و سپس به دلار تبدیل شود. اجرای این سیاست به دولت امکان می دهد تا از یک سو درآمدهای تورم زایش خود را بر پول‌های قدیمی که همچنان به میزان قابل توجهی در مبادلات کوچک بکار می‌رفتند، متمرکز کند و از سوی دیگر همزمان یک واحد با ثبات از محاسبه و ذخیره ارز را با معرفی پول جدید ایجاد کند. هدف دولت، کنترل شدید عرضه پول جدید و تامین مالی مخارج خود از طریق انتشار واحد پول قدیمی بود، به طوری که ارزش واحد پول جدید کاهش نیابد. در نتیجه، دولت دو سیاست پولی را به موازات یکدیگر اجرا کرد و پیش بینی می‌شد که استفاده و پذیرش از دو واحد پولی متفاوت باشد. هنگامی که دولت جدید نتوانست کسری‌های مالی را مهار کند، کاهش تقاضای واقعی برای «کوردوبای»[1] قدیم، امکان تامین منابع پولی کافی برای دولت را کمرنگ ساخت. در این زمینه، با چاپ بیشتر «کوردوبا اورو»[2] (واحد پول جدید) جهت جبران کسری ها، تقاضای انجام معاملات با پول قدیمی نیز از بین رفت. این دو پول به مدت شش ماه در کنار هم مورد استفاده قرار می‌گرفتند و در آوریل سال ۱۹۹۱، واحد پول جدید کاملا از فعالیت اقتصادی کشور کنار گذاشته شد و جای خود را به «کوردوبا» داد. پول جدید، هنگامی که رقیب داخلی از فعالیت اقتصاد داخلی کنار رفت بسرعت به میزان ۵۰۰ درصد نسبت به دلار آمریکا سقوط کرد. این تجربه به طور آشکار نشان می‌دهد که پول‌های موازی تا هنگامی که پشتوانه کالایی مشخص یا سازمان‌های انتشار دهنده معتبری نداشته باشند، نمی‌توانند به طور موثر به عنوان پول‌های جانشین عمل کنند.

علاوه بر این، اوکراین پیش از آنکه از شوروی سابق استقلال بیابد، به سمت اکتساب پول خاص کشور خود اقدام کرد. نخستین گام به سمت یک پول جدید، معرفی کوپن‌های یک بار مصرف در نوامبر سال ۱۹۹۰ بود. این کوپن‌ها صرفا قابل استفاده توسط شهروندان اکراینی بود و با مقدار مشخصی «روبل» برای خرید عموم کالاها بکار می‌رفت. این برنامه به این جهت تنظیم شده بود که از خرید مردم جمهوری‌های تازه استقلال یافته دیگر از فروشگاه‌های اوکراینی ممانعت شود. آنچه این کوپن‌ها را از کوپن‌های جیره‌بندی معمولی مجزا می‌ساخت این بود که این کوپن‌ها مختبص به خرید یک کالاهای خاص نبود و به این ترتیب، کوپن‌های مذکور به خوبی به «روبل» نگهداری شده نزد اکراینی‌ها اعتبار بخشیدند. کوپن‌ها هنگام اعطای دستمزدها توزیع می‌شدند، اما فقط شامل ۷۰ درصد دستمزد اعطا شده بودند و اگر برخی اکراینی‌ها به احتکار روبل اقدام می‌کردند، انتشار این کوپن‌ها به کاهش سریع قدرت خرید پول احتکار شده آنها منتهی می‌شد و در

1. Cordoba
2. Cordoba - Oro

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

حالی که فقط ۷۰ درصد دستمزد اعطا شده را پوشش می‌داد، اما در واقع دستمزدها در این کشور به میزان ۳۰ درصد کاهش یافته بود. به عبارتی، به میزان تفاوت حجم کوپن‌ها از حجم روبل در اختیار شهروندان اکراینی، نقدینگی در اکراین منقبض می‌شد. با نپذیرفتن روبل‌های مازاد بر کوپن‌ها، کشور اکراین بخش مهمی از روبل در گردش در جمهوری‌اش را به سمت روسیه خارج ساخت و این اقدام اثری تورمی برای روسیه به همراه داشت؛ زیرا موجب برگشت ناخواسته و برنامه‌ریزی نشده بهمنی از نقدینگی به داخل این کشور شد. در آگوست سال ۱۹۹۱، کوپن‌ها منتشر شده جانشین اسکناس‌های «روبل» مهر خورده شدند و به این ترتیب، هر یک «روبل» معادل یک کوپن تلقی می‌شد. در حالی که اوکراین همچنان یکی از ایالات اتحاد جماهیر شوروی سابق محسوب می‌شد، این موضوع دومین گام به سمت ایجاد واحد پول ملی بود. ابتدا، مهر زدن و باطل کردن روبل صرفا برای خرید اقلام غذایی ضروری بود، اما در ادامه این روند به دیگر کالاهای مصرفی نیز تعمیم یافت و جالب این است که باطل کردن پول‌ها در مسکو پایتخت شوروی و در حضور مقامات رسمی پولی شوروی انجام می‌شد. در واقع، مقامات روس اتخاذ این سیاست را روشی مناسب در جهت اعطای استقلال کامل پولی به اکراین در برابر حفظ یگانگی سیاست‌های پولی اتحاد جماهیر شوروی سابق می‌دانستند. گام سوم در ژانویه سال ۱۹۹۲، اتخاذ شد و پس از اعلام استقلال کشور اکراین، کوپن‌های در اختیار مردم به عنوان یک پول موازی با روبل در بازار معرفی شد که نسبت یک به یک نیز با یکدیگر داشتند. به خلاف کوپن‌های پیشین، این کوپن‌ها یک بار مصرف نبودند و تنها تفاوت آنها با پول، کیفیت پایین‌تر آنها بود.

در واقع، حرکت اکراین به سمت استقلال پولی، نوعی دفاع در برابر سیاست‌های تورم زای روسیه بود. حتی هنگامی که این کشور یکی از ایالات کشور اتحادیه جماهیر شوروی شناخته می‌شد همواره سعی داشت با اولویت دادن به شهروندان اوکراین به دسترسی به غذا و سایر اقلام مصرفی، اوکراین را از سیاست‌های پولی مسکو جدا کند. به محض معرفی کوپن به عنوان واحد پول ملی، روبل روسیه با نسبت ۱۰ به یک در بازار سیاه اوکراین مبادله شد و سپس چند ماه بعد، این نرخ در بازار سیاه از ۲ به ۱ تا ۴ به ۱ رسید. با وجود این، با اینکه مقامات اکراین کنترل ضرابخانه خود را بعهده داشتند، نظم پولی این کشور به دلیل ناتوانی مقامات پولی در برابر مشکل سواری مجانی به هم ریخت. این واقعه به خوبی عملکرد صحیح *قانون گرشام*[1] را در عرصه بین‌المللی نشان می‌دهد. در سال ۱۹۹۱، رشد اعتبار داخلی در اکراین ۱۴۵ درصد بود، در حالی که در روسیه این

1. Gresham's Law

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

رشد فقط ۸۴ درصد بوده است و همه معاملات با کوپن انجام می‌شد. در بازار سیاه نسبت روبل به کوپن که در دامنه ۲ به ۱ تا ۴ به ۱ قرار داشته است به حدود نسبت ۰/۶ به ۱ در آگوست سال ۱۹۹۲، کاهش یافت. مرحله چهارم ایجاد واحد پول ملی در اکراین در نوامبر سال ۱۹۹۲، انجام شد، هنگامی که کوپن منطقه پول مشترک روبل را ترک نمود و با نام جدید اما قدیمی «کوربوانت»[1] معرفی شد. روبل‌ها می‌بایست به هر میزان و با نسبت یک به یک و در طی یک دوره سه روزه به «کوربوانت» تبدیل می‌شدند، در حالی که همزمان در بازار سیاه یک کوپن با ۱/۵ روبل معامله می‌شد. در مدت چند روز روبل‌ها و کوربوانت‌ها معامله شدند. با آزاد شدن از قید نسبت یک به یک در برابر روبل، اعتبار کوربوانت در ابتدای سال ۱۹۹۳، افزایش بیشتری یافت و در پی آن بر میزان تورم نیز افزوده شد و به سطح ماهانه ۵۰ درصد در نیمه همان سال رسید. اقدام نهایی که هنوز نیز ادامه دارد، جایگزینی کوربوانت با یک واحد پول جدید مناسب با عنوان هریونیو[2] است. این اقدام تاکنون تاخیر داشته است، زیرا مقامات معتقدند مردم نسبت به پول ملی بدگمان شده‌اند.

۷. جمع بندی

بین دو سیاست که یکی در پی حذف سه صفر از پول به دنبال یک دوره تورمی است و دیگری به دنبال مصادره اموال و کاهش دارایی مردم در برابر افزایش دارایی دولت است، تفاوت جدی وجود دارد. هر دو مورد بازتابی از شرایط مشابه کلان اقتصادی و نهادی مانند، کسری مالی گسترده، ناتوانی اجرایی یا سیاسی برای ایجاد درآمدهای مالیاتی، بی اعتمادی سیاست‌های دولتی یا یک رژیم ارزی ناپایدار است. اصلاحات القایی از تورم و مصادره پولی، هر دو تلاشی ناامیدانه است که توسط دولت‌های اجرایی و یا سیاسی ضعیف انجام می‌شود تا راهی برای تامین کسری‌های مالی خود در برابر فروپاشی تقاضای واقعی پول با ایجاد فضایی جهت انتشار پول بیشتر بیابند. هر دو سیاست ناپایدارند به طوری که تأثیر آنها در خلق درآمد، با استفاده بیشتر دولت‌ها از این سیاست‌ها کاهش می‌یابد. تجربه اکراین به روشنی نشان می‌دهد که رفتار دولت‌ها هنگامی‌که از قدرت چاپ پول برخوردارند، تغییر قابل توجهی می‌کند. جدول شماره سه، نشان می‌دهد دولت‌هایی که اصلاحات پولی مصادره‌آمیز انجام داده اند بشدت ناپایدار بوده‌اند و مصادره‌های مستقیم پول ملی در اقتصادهای برنامه‌ریزی شده، بیشتر هنگام وقوع ابرتورم‌ها و به عنوان یک ابزار تامین مالی دولت

1. Karbovanet
2. Hryvnia

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

روی داده است. در این اقتصادها، تثبیت قیمت‌ها به طور اجباری و دولتی منجر به فرونشاندن مصنوعی تورم شده است و نیروی تورمی شدیدی در کالبد اقتصاد به صورت نهفته وجود دارد و مداخله شدید دولت در این اقتصادها موجب شده تا سفته بازان و عاملان بازار سیاه در نهایت نقش منجی دولت‌ها را در اصلاحات پولی بازی کنند. علاوه بر این، دولت‌ها در اقتصادهای با برنامه‌ریزی متمرکز، توجه ویژه‌ای به موضوع بازتوزیع دارند و از مصادره پول رایج، برای تمرکز بیشتر بار تامین مالی از طریق پول بر یک منطقه جغرافیایی ویژه یا یک گروه خاص اجتماعی استفاده می‌کنند. در بیشتر موارد ضبط پول رایج، نتیجه وقوع یک آشفتگی اقتصادی، اجتماعی و یا بروز جنگ‌های شهری است و در این شرایط، تغییر واحد پولی به نفع برخی و به زیان برخی دیگر است و به خلاف تورم که خشک و تر را با هم می‌سوزاند، می‌تواند نقش یک سیاست بازتوزیعی را نیز ایفا کند. انجام اصلاحات پولی تبعیض‌آمیز به رغم این ویژگی منحصر به فرد که در حوزه بازتوزیع وجود دارد، عملکرد اقتصاد پولی را به مراتب بیش از تورم آشفته می‌کند. این خسارت به مراتب برای دولت پرهزینه‌تر است و به نظر می‌رسد که هزینه‌های اقتصادی و رفاهی به مراتب بیشتری برای جامعه داشته باشد. این مقاله، حداقل این موضوع را به خوبی نشان داد که تغییر واحد پول ملی، نمی‌تواند به تنهایی و بدون برخورداری از سیاست‌های پولی مکمل دیگر، یک سیاست موفق محسوب شود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

Mozambican Experience, Aldershot: Gower Press.

منابع

Acheson, Keith & John F. Chant (1973)," Bureaucratic Theory and the Choice of Central Bank Goals", *Journal of Money, Credit and Banking*, PP. 637-655.

Ames, Edward (1954)," Soviet Block Cumency Reforms", *American EconomicReview*, Vol. 55, PP. 339-353.

Beresford, Melanie (1989), *National Unification and Economic Development in Viemam*, New York: St. Martin's Press.

Cagan, Phillip (1956), *The Monetary Dynamics of Hyperinflation, in: Milton Friedman* (ed.), Studies in the Quantity Theory of Money, Chicago: Chicago University Press.

Central Bank of Nigeria (1969), *Annual Report and Statement ofAccounts for the Year Ended 31st December*, 1968, Lagos.

Central Bank of Nigeria (1979), *Twenty years of Central Banking in Nigeria*, Lagos.

Central Bank of Nigeria (1984), *Monthly Report*, May, Lagos.

Central Bank of Nigeria (1985), *Annual Report and Statemenf o fAccountsfiw the Year Ended 31st December*, 1984, Lagos.

Chang, Kia-Ngau (1939-1950), *The InJationury Spiral: The Experience in China*, London: J .Wiley & Sons.

Cowitt, P.P. (1985), *World Currency Yearbook*, 1984, Brooklyn, NY: International Currency Analysis, Inc.

Cowitt, P.P. (1991), *World Currency Yearbook*, 1988-1989, Brooklyn, NY: International Currency Analysis, Inc.

Cukierman, Alex, Sebastian Edwards & Guido Tabellini (1992)," Seignorage and Political Instability", *American Economic Review*. Vol .82,. PP. 537-555.

Cukierman, Alex, Steven B. Webb and Bilin Neyapti (1992), "Measuring the Independence of Central Banks and its Effects on Policy Outcomes", *World Bank Economic Review*,Vol, PP. 535-398.

Dornberg, John (1988)," West Germany's Weltschmerz, Euromoney", September, PP. 120-125.

Falush, Peter (1976), "The Hungarian Hyper-Inflation of (1945-1946) ," National Westminster Bank, *Quarterly Review*, August,PP. 46-56.

Far Eastern Economic Review (1987), 1987 Asia Yearbook.

Friedman, Milton (1992), *Money Mischief* , San Diego, CA: Harcourt Brace.

Hanke, Steve, Lars Jonung and Kurt Schuler (1993), *Russian Currency and Finance*, New York: Routledge.

International Monetary Fund (1993), *Economic Review: Ukraine*, Washington, DC.

International Monetary Fund, *International Financial Statistics*, Various Issues.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

Kane, Edward (1990), *Bureaucratic Self-Interest as an Obstacle to Monetary Reform, in: Thomas Mayer (ed.)*, *The Political Economy of American Monetary Policy*, Cambridge: Cambridge University Press, PP. 283-298.

Klopstock, Fred, H. (1946)," Monetary Reforms in Liberated Europe", *American Economic Review*,Vol. 36, PP. 578-95.

Kiguel, Miguel and Nissin Liviatan (1992)," Stopping Three Big Inflations, World Bank", *Working Paper*, 999.

Kramer, Alan (1991), *The West Germun Economy*, f945-55, New York Berg Publishers.

La Haye, Laura (1980)," Inflation and Currency Reform: A Study of the Effects of Anticipated Policy Switching, PhD Dissertation Presented at the University of Chicago.

Liu, Fu-Chi (1970), *Essays on Monetary Development in Taiwan*, Taipei.

Makinen, Gail (1986), "The Greek Hyperinflation and Stabilization of (1943-1946)", *Journal of Econornic History*, Vol.46,PP. 795-805.

Mayer, Thomas and Gunter Thumann (1990)," Radical Currency Reform: Germany, 1948", *Finance and Development*, PP. 6-8.

Morales, Juan Antonio and Jeffrey Sachs (1988)," Bolivia's Economic Crisis", *NBER Working Paper, 2620.*

New York Times, Various Issues.

O'Brien, Haniett (1991), *Forgotten Land*, London: Michael Joseph.

Ocampo, Jose Antonio (1991)," Collapse and (Incomplete) Stabilization of the Nicaraguan Economy, Press. in: Rudiger Dornbusch and Sebastian Edwards (eds.), *The Macroeconomics of Populism in Latin America,* Chicago, IL: University of Chicago Press.

Okefie Uzoaga, W. (1981), *Money and Banking in Nigeria*, Lagos.

Pick, Franz (1971), *Pick's Currency Yearbook, 1970*, New York Pick Pub. Cop.

Rimmer, Douglas (1992), *Staying Poor: Ghana's Political Economy (1950-1990)*, Oxford: Pergamon.

Robinson, M. and L.A. Shaw (1980), *The Coins and Banknotes of Burmu*, Manchester.

Smith, Adam (1976), *The Wealth of Nations*, Chicago: University of Chicago Press, *Sudanow* (1991), June: PP. 17-19.

Thein, Myat (1990), *blonetary and Fiscal Policies for Development*, in: M. Thoan and *J. Tan (eds.), Myanmar: Dilemmas and Options*, Singapore: Institute of Southeast Asian Studies.

Union Bank of Burma (1965), *Annual Report*, 1964, Rangoon.

Wuyts, Marc, E. (1989), *Money and Planning for Socialist Transition: The Mozambican Experience*, Aldershot: Gower Press.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]